

نویسنده: پیتر کونینگ (Peter Koenig)

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2020-11-20»

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

دستور کار مخفی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول *The Secret Agenda of the World Bank and IMF*

- بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دست در دست هم کار می کنند - به راحتی. آنها نه تنها به طور منظم مبالغ هنگفتی را به رژیم های وحشتناک در سراسر جهان وام می دهند ، بلکه ملت های فقیر را با قبول شرایط سختگیرانه تحمیل شده توسط غرب ، سیاه نمایی می کنند. یا به عبارت دیگر ، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ؛ مرتکب وحشیانه ترین موارد نقض حقوق بشر هستند .

نمی توانستید چیزی بگویید ، وقتی که بالای ورودی یا «مدخل» بانک جهانی این جمله اصیل را می خوانید ، **"رویای ما جهانی بدون فقر است"**. به این ظاهر سازی ویا دورویی فقط می توانم اضافه کنم ، " ... و ما مطمئن خواهیم شد که این یک رویا باقی خواهد ماند." که این چنین می گوید دروغ و جنایت ماهیت دوم این موسسه مالی بین المللی است ، که بر اساس دستور منشور ملل متحد ایجاد شده ، ولی اما تحریک شده توسط ایالات متحده.

پیش نما ویا جلوی این موسسات روشن ودرخشان است. آنچه توجه مردم را جلب می کند ، سرمایه گذاری در زیرساخت های اجتماعی ، مدارس ، سیستم های بهداشتی ، نیازهای اساسی مانند آب آشامیدنی ، سرویس های بهداشتی - حتی حفاظت از محیط زیست - بر روی همه "فقرزدایی" ، یعنی جهانی عاری از فقر است. اما اینکه **چقدر امروز این جعلی است** و در دهه (1970 و 1980) بود ، حیرت آور است. که به تدریج مردم چشم خود را به واقعیتی ناپسند ، بهره کشی و اجبار و سیاه نمایی آشکار بازمی کنند. و این تحت نظارت سازمان ملل متحد است. چه چیزی در مور سیستم ؛ سازمان ملل به شما می گوید؟ سازمان ملل متحد در چه دستانی است ویا در تصرف کی ها است؟ این سازمان جهانی در **سائفرانسیسکو ، کالیفرنیا** ، در «24 اکتبر 1945» ، درست پس از جنگ جهانی دوم ، توسط «51» کشور ایجاد شد که متعهد به حفظ صلح و امنیت بین المللی ، توسعه روابط دوستانه بین ملت ها و ارتقا و پیشرفت اجتماعی ، سطح زندگی بهتر حق و حقوق انسانی ؛ انسان هستند .

سازمان ملل متحد جایگزین اتحادیه ملل شد که پس از جنگ جهانی اول ، معاهده و توافقنامه آن در قصر (versailles = واقع در جنوب غربی شهر پاریس) توشیح شد که بخشی از توافق صلح بود. این مقررات در «10 ژانویه 1920» موثر واقع شد و مقر آن در ژنو ، سوئیس بود ، که با هدف خلع سلاح ، جلوگیری از جنگ از طریق امنیت جمعی ، حل و فصل اختلافات بین کشورها ، از طریق دیپلماسی مذاکره و بهبود رفاه جهانی همراه بود . اما با در نظر داشتن گذشته ، به راحتی می توان دریافت که کل سیستم سازمان ملل متحد به عنوان یک **تمسخر ریاکارانه** تنظیم شده است ، و باعث می شود مردم باور کنند که رهبران قدرتمند آنها فقط صلح می خواهند! این رهبران توانا همه غربی بودند. همان چیزی که کمتر از «20» سال پس از ایجاد جامعه نجیب ملتها ، جنگ جهانی دوم را آغاز کردند .

این سر آغاز ویا مقدمه کوچک زمینه ای را فراهم میکند که سرانجام برای سرقت و غارت جهانی

از ملت های فقیر و نادار در سراسر جهان ؛ با بهره داری از مردم ؛ نقض حقوق بشر ؛ و با بیل و شاول حفاری کردن و بردن منابع و دارایی های طبیعی و نهفته مردم به حمایت و کمک سازمان ملل متحد به سمت و سوی الیگارشی ؛ به نخبگان و سازمان های همیشه کوچکتر از آنها و به موسسات به اصطلاح بریتون اودس «Bretton Woods».

در ماه جولای سال «1944» بیش از «700» نماینده از «44» کشور باهم متحد (ایتلاف برندگان جنگ جهانی دوم) در هتل مونت «Mount» واشنگتن واقع در بریتون اودس ؛ نیوهمپشاير (New Hampshire) ایالات متحده ؛ برای تنظیم نظم پولی و مالی بین المللی پس از جنگ جهانی دوم باهم دیدار کردند ؛ این دیدار هم با پیشکش این شعار « **بیا بید مطمئن با شیم** » که این کنفرانس ویا نشست تحت نظر ایالات متحده ؛ که خود را برنده جنگ جهانی دوم اعلام کرد و در عین زمان خویشتن را از این به بعد در آینده بمثابة استاد نظم مالی جهان جا زد که در آن هنگام بلا فاصله قابل مشاهده نبود- این استادی را در اجندای کار کنفرانس بگونه ساده پنهان شده جا سازی کرد.

صندوق بین المللی پول رسماً برای "تنظیم" ارزهای به اصطلاح قابل تبدیل غربی ، ارزهایی که مشترکاً برای اعمال قوانین استاندارد طلائی جدید ، یعنی (35) **دلار / اونس تروی** (حدود 31.1 گرم) مشترک شده اند ، ایجاد شد. توجه داشته باشید که استاندارد طلا ، اگرچه به طور مساوی برای (44) کشور متحد قابل استفاده است ، اما به قیمت طلا معرفی شده به دلار آمریکا مرتبط بود ، نه بر اساس سببی از ارزش (44) ارز ملی. این دلیل کافی برای زیر سوال بردن سیستم آینده بود. و چگونه بازی خواهد شد. اما هیچ کس چیدمان یا این مدیریت را زیر سوال نبرد. باورش سخت است که از نظر همه این اقتصاددانان ملی، هیچ کس جرأت نداشت که خائناً نه بودن تنظیم استاندارد طلا را زیر سوال ببرد. بانک جهانی یا بانک بازرگانی و توسعه رسماً برای اجرای طرح مارشال برای بازرگانی اروپایی ویران شده از جنگ تشکیل شد. طرح مارشال کمک مالی ایالات متحده بود و به عنوان وزیر امور خارجه ایالات متحده جورج مارشال نامگذاری شد ، وی این طرح را در سال «1947» پیشنهاد داد. این طرح «13.2» میلیارد دلار کمک خارجی به کشورهای اروپایی داد که از نظر جسمی و اقتصادی در اثر جنگ جهانی دوم ویران شده بود. قرار بود از سال (1948 تا 1952) اجرا شود که البته مدت زمان بسیار کمی بود و تا اوایل دهه (1960) گسترش یافت. که از نظر امروز ، ارزش طرح مارشال حدود (10) برابر ، یا «135» میلیارد دلار است .

طرح مارشال یک صندوق گردشی بود و هنوز هم توسط کشورهای مورد نظر پس داده می شود تا بتواند دوباره از شدت خشن یا سختگیری کمتری برخوردار شوند. پول طرح مارشال چندین بار وام داده شد و بنابراین بسیار کارآمد بود. همتای اروپایی صندوق مارشال که توسط بانک جهانی اداره می شود ، بانکی تازه تأسیس بود که تحت نظر وزارت دارایی آلمان ، بانک آلمان برای بازرگانی و توسعه تحت مخفت (KfW – Kreditanstalt für Wiederaufbau) تأسیس شد ، که به عنوان همتای اروپایی بانک جهانی تا هنوز وجود دارد و بیشتر خود را وقف پروژه های توسعه در جنوب جهانی می کند ، اغلباً با همکاری بانک جهانی. امروز هنوز یک بخش ویژه در KfW وجود دارد که منحصرأ با پول صندوق طرح مارشال سروکار دارد. این وجوه برای اعطای وام به مناطق فقیرنشین جنوب اروپا و همچنین تقویت اقتصاد اروپای شرقی استفاده می شود و به ویژه برای ادغام آلمان شرقی سابق در "آلمان بزرگ" امروزی مورد استفاده قرار گرفت .

دو عنصر طرح مارشال به ویژه قابل توجه ویا قابل مذاقه است. **اول** ، طرح بازرگانی ایجاد یک وابستگی ، وابستگی بین ایالات متحده و اروپا ، همان اروپا که تا حد زیادی توسط نیروهای متحد غربی نابود شد ، در حالی که اساساً جنگ جهانی دوم به طور عمده توسط اتحاد جماهیر شوروی ، بافداکاری های عظیم اتحاد جماهیر شوروی کشور شوراها - با از دست دادن جان تقریباً (25) تا (30) میلیون نفر به پایان رسید یعنی که شوروی در این جنگ موفق شد پس بنابراین ، طرح مارشال همچنین به عنوان سپری در برابر روسیه کمونیست ، یعنی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی طراحی

شد در حالی که اتحاد جماهیر شوروی رسماً متحد قدرتهای غربی، ایالات متحده، انگلستان و فرانسه بود، در حقیقت اتحاد جماهیر شوروی کمونیست دشمن اصلی غرب، به ویژه ایالات متحده بود که با پول طرح مارشال، ایالات متحده؛ اتحاد اروپا را خریداری کرد، این وابستگی تا به امروز پایان نیافته است. جنگ سرد متعاقب اتحاد جماهیر شوروی - که همگی مبتنی بر دروغ های آشکار بود، شاهدی مستقیم برای یک مضحکه تبلیغاتی غربی بود - که تا به امروز، بیشتر اروپایی ها هنوز آن را درک نکرده اند.

دوم، تحمیل صندوق بازسازی مبتنی بر دلار آمریکا، نه تنها وابستگی به دلار اروپا را ایجاد می کرد بلکه در حال آماده سازی یک ارز واحد بود و در نهایت برای حمله به اروپا - آنچه امروز می دانیم تبدیل به یورو شده است یورو چیزی نیست جز فرزند خوانده دلار، زیرا در همان تصویر دلار آمریکا ایجاد شده است - این یک ارز فیات است و از هیچ چیز پشتیبانی نمی کند. اروپای متحد یا که اکنون اتحادیه اروپا نامیده می شود - هرگز در واقع یک اتحادیه نبوده این هرگز یک ایده اروپایی نبود، اما توسط سرویس های مخفی ایالات متحده در لباس مبدل چند صدای خائنان اروپایی مطرح شد. و هر تلاشی برای ایجاد یک اروپای متحد، یک فدراسیون اروپایی، با یک قانون اساسی اروپا، شبیه به ایالات متحده، به سختی توسط ایالات متحده خرابکاری شد، بیشتر از طریق خال (خال سیاه مادر زاد) ایالات متحده در اتحادیه اروپا، یعنی انگلستان.

ایالات متحده از نظر اقتصادی و احتمالاً به مرور زمان و از نظر نظامی، اروپایی قدرتمند نمی خواست (جمعیت اتحادیه اروپا «450» میلیون نفر در برابر «330» میلیون نفر جمعیت آمریکا است تولید ناخالص داخلی (2019) اتحادیه اروپا (20.3) تریلیون دلار معادل، در مقابل تولید ناخالص داخلی ایالات متحده (21.4) تریلیون دلار آمریکا). اکثر اقتصاددانان موافقت می کنند که ارز مشترک برای گروهی سست کشور آینده ای ندارد، یعنی که پایدار نیست. بانک مرکزی اروپا وارد بازار می شود، همچنین آفرینشی با الهام از سیستم ذخیره فدرال ایالات متحده. بانک مرکزی اروپا واقعاً عملکرد بانک مرکزی را ندارد. این یک **سگ نگهبان** است. از آنجا که هر کشور عضو اتحادیه اروپا هنوز دارای بانک مرکزی خاص خود است، اگرچه دارای یک حاکمیت به شدت کاهش یافته است. از «27» عضو فعلی اتحادیه اروپا تنها «19» عضو منطقه یورو هستند. آن کشورهایی که بخشی از منطقه یورو نیستند، یعنی جمهوری چک، دانمارک، مجارستان، سوئد - و کشورهای دیگر، سیاست مالی خود را حفظ کرده و به بانک مرکزی اروپا وابسته نیستند. این بدان معناست که اگر **یونان** با "بحران" تولید شده (2008-2009) از منطقه یورو خارج شده بود، یونان در حال بهبودی کامل بود. آنها مشمول هوی و هنجارها و دستورات صندوق بین المللی پول، تروئیکا «گادی سه اسپه» بدنام، کمیسیون اروپا، **بانک مرکزی اروپا** و **صندوق بین المللی پول** نخواهند می بود، اما می توانستند یا میتوانست بدهی خود را به طور داخلی تنظیم کنند، زیرا بیشتر بدهی داخلی بود، بدون نیاز به وام گرفتن در خارج از کشور.

در يك فراندوم كمك يانظر خواست عامه طی سال «2015»، یونان با اکثریت قاطع مخالف كمك مالی یعنی مخالف بدهی غول پیکر جدید بودند. با این حال، رئیس جمهور وقت یونان **Tsipras**، چنان پیش رفت که گویی همه پرسه هرگز برگزار نشده است و با وجود تقریباً «70» درصد آرا مخالف که مردم، آن را تصویب کرد. این نشانه روشنی از تقلب است که هیچ بازی عادلانه ای در جریان نبود. **سیپراس** و / یا خانواده های وی ممکن است مجبور به پذیرش كمك مالی شده بودند - یا غیر از این شاید هرگز ندانیم، دلیل واقعی اینکه **Tsipras** مردم خود، رفاه مردم یونان را به الیگارشی پشت صندوق بین المللی پول و بانک جهانی فروخته است - و آنها را در یک بدبختی بزرگ قرار داده است با بالاترین نرخ بیکاری در اروپا، فقر گسترده و نرخ خودکشی سرسام آور. یونان ممکن است به عنوان یک مثال در مورد چگونگی هزینه های دیگر کشورهای اتحادیه اروپا با شد که اگر "رفتار" نکنند - به این معنی که به قوانین طلایی نا نوشته اطاعت از اساتید بین المللی پول پا بیند با شید.

این ترسناک است:

و اکنون، در این زمان «**کرونا ی-19**»، نسبتاً آسان است کشور های فقیر، به ویژه در جنوب جهانی که قبلاً به دلیل بیماری همه گیر بدهکار شده اند، بدهی های خارجی خود را افزایش می دهند تا نیازهای اساسی جمعیت خود را تأمین کنند. یا اینگونه باعث می شوند تا شما با ور کنید بیشتر بدهی های جمع شده توسط کشورهای در حال توسعه، بدهی خانگی یا داخلی است، مانند بدهی سراسر قسمت شمالی جهان که در واقع برای از بین بردن بدهی های محلی نیازی به موسسات وام دهنده خارجی نیست یا آیا یکی از کشورهای ثروتمند جهانی شمالی را دیده اید که برای تسلط بر بدهی خود از صندوق بین المللی پول یا بانک جهانی قرض می گیرد؟ به ندرت. پس چرا جنوب جهانی به آن دامن می زند؟ به بخشی از آن فساد، به بخشی زورگویی و به بخشی دیگر باج خواهی مستقیم. بله، سیاه نمایی، یکی از بزرگترین جنايات بین المللی قابل تصور است که توسط برجسته ترین موسسات مالی بین المللی منشور سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول انجام شده است.

به عنوان مثال، همه جهان در تعجب هستند که چگونه یک دشمن نامرئی (ویروس کرونا)، همزمان «193» کشور عضو سازمان ملل را مورد حمله قرار داد، به طوری که «**دکتر تئدروس**» مدیر کل سازمان صحت جهانی، در «11» ماه مارس این مرض را یک بیماری همه گیر اعلام کرد - بدون هیچ دلیلی از آنجا که در جهان فقط «4617» مورد از واقعات آن وجود داشت - اما نتیجه برنامه ریزی شده در «16 مارس 2020» در سراسر جهان قرنطین بود. البته بدون استثنا. برخی از کشورهای این مسئله را جدی نگرفتند، مانند برزیل، سوئد، بلاروس، برخی از کشورهای آفریقایی، مانند ماداگاسکار و تانزانیا - قوانین خود را تدوین کردند و دریافتند که استفاده از ماسک بیشتر از فایده آسب می رساند، و فاصله اجتماعی باعث نابودی ساختار اجتماعی فرهنگهای آنها و نسلهای آینده میشود. اما دولت تا ریک و عمیق شیطانی نمی خواست کاری با کشورهای "مستقل" داشته باشد. همه آنها باید دستور العمل خود را از بالا به عنوان از گیتس، راکفلرها، سوروس و سایر نخبگان دنبال می کردند تا به زودی توسط کلاوس شواب تقویت شوند و به عنوان رئیس اصلی مجمع جهانی اقتصاد فعالیت کنند. ناگهان، در برزیل شاهد افزایش شدیدی "موارد" یا وقوعات این بیماری جدید شدند، و هیچ سوالی را به ارتباط افزایش وقوعات مرض مطرح نکردند، گفتند که آزمایش گسترده مهم نیست که آزمایش بد نام {PCR = polymerase chain reaction = روشی است که بطور گسترده ای برای ساخت سریع ملیون ها تا میلیارد ها نسخه از نمونه (GNA) خاص مورد استفاده قرار میگیرد.....}...**تفصیل توسط این قلم** {از نظر اکثر دانشمندان جدی بی ارزش است} فقط دانشمندان فروخته و فاسد، کسانی که توسط مقامات ملی پرداخت می شود، هنوز بر آزمایش-RT-PCR اصرار می ورزند. {تست COVID-19 RT-PCR یک آزمایش واکنش زنجیره ای پلیمر از رونویسی معکوس (rRT-PCR) در زمان واقعی برای تشخیص کیفی اسید نوکلئیک از SARS-CoV-2 در نمونه های تنفسی فوقانی و تحتانی است (مانند سواب های حلق یا خلط، خط، آسپیرات دستگاه تنفسی تحتانی، شستشوی برونکوالوئولار و شستشو / آسپراتیت حلقی) از افراد مظنون به COVID-19 توسط ارائه دهنده خدمات درمانی آنها (HCP) و همچنین نمونه های تنفسی فوقانی (مانند سواب های حلق یا حنجره، سواب بینی، یا میانی بینی) جمع آوری شده است. سواب های توربینات) از هر فردی جمع آوری شده است، از جمله برای آزمایش افراد بدون علائم یا دلایل دیگر مشکوک به عفونت COVID-19.....} **بولسونارو** با ویروس بیمار می شود و شمار مرگ و میرها به طور فزاینده ای افزایش می یابد - که موجب درهم و برهم شدن اقتصاد برزیل میشود.

تصادفات:

بانک جهانی و / یا صندوق بین المللی پول می آیند ، کمک های گسترده ای را بیشتر به عنوان تسویه بدهی ، اعطای وام یا کم وام ارائه می دهند. اما با رشته های عظیم پیوسته شده: شما باید از قوانینی که سازمان صحت جهانی (WHO) وضع کرده است آنرا پیروی کنید ، باید قوانین مربوط به آزمایش واکسیناسیون ، واکسیناسیون اجباری را دنبال کنید - اگر مطابق با این قوانین و سایر قوانین خاص کشور هستید ، مانند اجازه دادن به شرکت های غربی در استفاده از منابع طبیعی شما - ممکن است کمکهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را دریافت کنید قبلاً در ماه مه سال 2020 گروه بانک جهانی اعلام کرده بود که عملیات اضطراری خود برای مبارزه با « COVID-19 » به « 100 » کشور در حال توسعه رسیده است - « 70 » درصد از جمعیت جهان با « 160 » میلیارد دلار وام به علاوه. این بدان معناست که تا امروز ، شش ماه بعد و در اوج "موج دوم" ، تعداد کشورها و تعداد وام ها یا کمک های مالی "تسویه حساب" باید به صورت تصاعدی افزایش یافته باشد ، زیرا این میزان به نزدیک به « 193 » کشور عضو سازمان ملل رسیده است. که توضیح می دهد چگونه همه ، به معنای واقعی کلمه ، حتی مخالف ترین کشورهای آفریقایی ، مانند ماداگاسکار و تانزانیا ، در میان فقیرترین فقرا ، در مقابل زورگویی یا باج گیری موسسات بدنام **برتون وودز** تسلیم شده اند .

این موسسات در تولید دلار هیچ مشاجره ای ندارند ، زیرا دلار پول ناچیزی است و هیچ اقتصادی آن را پشتیبانی نمی کند - اما می تواند به معنای واقعی کلمه از هوای گرم تولید شود و به کشورهای فقیر اعطا شود ، یا به عنوان بدهی یا به عنوان کمک مالی. این کشورها از این پس و به دلیل فشار نهاد های مالی بین المللی برای همیشه وابسته به اساتید نجات غربی خواهند بود COVID-19. ابزاری مناسب برای بازارهای مالی برای بیل زدن دارایی از پایین به بالا است . برای به حداکثر رساندن غلظت ثروت در بالا ، شاید یک یا دو یا حتی سه موج جدید COVID-19 لازم باشد. این همه برنامه ریزی شده است ، مجتمع اقتصادی جهان « WEF » پیش از این با کتاب مستند « COVID-19 » با زبانی بزرگ « the great reset » ، سناریوهای آینده را پیش بینی کرده است. همه چیز گذاشته شده است. و روشنفکران غربی ما آن را می خوانند ، تجزیه و تحلیل می کنند ، از آن انتقاد می کنند ، اما ما آنرا جدا نمی کنیم - اجازه می دهیم آن با یستند ، و حرکت جهان در جهت تنظیم مجدد را مشاهده می کنیم. و این طرح توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول اجرا می شود - همه اینها تحت عنوان انجام کار خوب برای جهان است .

اکنون چه تفاوتی با نقش بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قبل از بیماری همه گیر COVID-19 دارد؟ هیچ چی. فقط علت بهره برداری ، با زبردخت بدهی ، بردگی. وقتی COVID-19 آمد ، کار آسان شد. پیش از آن و تا پایان سال « 2019 » ، بانک های جهانی ، صندوق بین المللی پول یا صندوق بین المللی پول می توانند به کشورهای در حال توسعه ، غالباً سرشار از منابع طبیعی از نوع مورد علاقه غرب ، نفت ، طلا ، مس و سایر مواد معدنی ، مانند زمین های کمیاب ، دسترسی پیدا کنند. هر دو آنها می توانند تسویه بدهی ، اصطلاحاً وام تعدیل ساختاری ، بدون توجه به اینکه واقعاً به چنین بدهی نیاز دارند یا نه ، دریافت کنند. امروز این وام ها به هر شکل ، شکل و رنگی ارائه می شوند ، به معنای واقعی کلمه مانند انقلاب های رنگی ، به عنوان مثال ، اغلب به عنوان عملیات پشتیبانی بودجه - من آنها را چک های خالی می نامم - هیچ کس کنترل نمی کند چه اتفاقی برای پول می افتد. با این حال ، کشورها با پیدایش اقتصاد خود را تغییر دهند ، خدمات عمومی خود را منطقی کنند ، خصوصی سازی آب ، آموزش ، خدمات بهداشتی ، برق ، بزرگراه ها ، راه آهن - و دادن امتیازات خارجی برای بهره برداری از منابع طبیعی بیشتر این کلاهبرداری ها - کلاهبرداری در

"سرفت" منابع ملی، توسط عموم مردم دیده نمی‌شود، اما کشورها به طور روزافزونی به سر رشته غرب وابسته می‌شوند - حاکمیت مردم و مردم از بین رفته است. مفسد و مفسد اداری همیشه وجود دارد. متأسفانه، آنها هنوز در جنوب جهانی همه جا حضور دارند. غالباً، با پرداخت یک قطعه پول، کشورها مجبور می‌شوند با برخی از قطعنامه‌های سازمان ملل که مورد علاقه ایالات متحده است موافق یا مخالف باشند. اینجاست که می‌رویم - و سیستم فاسد سازمان ملل را می‌بینیم.

البته، هنگامی که دو سازمان **برتون وودز** در سال «1944» ایجاد شد، سیستم رای‌گیری تصمیم گرفت "یک کشور، یک رای" نباشد، همان‌طور که در تئوری در سازمان ملل وجود دارد. ایالات متحده حق «وتو» در هر دو سازمان را دارد. حق رأی آنها بر اساس عملکرد سرمایه آنها محاسبه می‌شود که از یک فرمول پیچیده بر اساس تولید ناخالص داخلی و سایر شاخص‌های اقتصادی حاصل می‌شود. در هر دو موسسه حق رأی و «حق وتو» در ایالات متحده حدود «17» درصد است. هر دو موسسه «189» کشور عضو دارند «کوئید نزده»، اگر قبلاً نبوده است، چگونگی ادغام کامل این موسسات مالی رسمی "رسمی" بین‌المللی، سازمان ملل **برتون وودز**، در سیستم سازمان ملل متحد - که بیشتر کشورها هنوز هم به آن اعتماد دارند، شاید به دلیل کمبود هر چیز بهتری سوال، با این حال: چه چیزی بهتر است، یک سیستم فاسد ریاکارانه که "ظاهر" یا لغو یک سیستم خیالی و شجاعت برای ایجاد یک سیستم جدید را فراهم می‌کند، تحت شرایط جدید موکراتیک و با حقوق حاکمیت توسط هر کشور شرکت کننده؟

چند سطر در مورد نویسنده:

پیتر کونیگ اقتصاددان و تحلیلگر ژئوپلیتیک است. وی همچنین یک متخصص منابع آب و محیط زیست است. وی بیش از 30 سال با بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی در سراسر جهان در زمینه‌های محیط زیست و آب کار کرد. وی در دانشگاه‌های ایالات متحده، اروپا و آمریکای جنوبی سخنرانی می‌کند. او به طور منظم برای تحقیقات جهانی می‌نویسد؛ ICH «information clearing house»؛ چشم انداز جدید شرقی (NEO)؛ RT؛ جریان متناوب، Sputnik؛ PressTV؛ قرن بیست و یکم Greanville Post؛ دفاع از دموکراسی مطبوعات؛ ساکر بلاگ، و سایر سایت‌های اینترنتی. او نویسنده داستان‌های Implosion - یک هیجان اقتصادی در مورد جنگ، تخریب محیط زیست و طمع شرکت‌ها - داستان‌هایی مبتنی بر حقایق و 30 سال تجربه بانک جهانی در سراسر جهان است. او همچنین یکی از نویسندگان کتاب نظم و انقلاب جهانی است - مقاله‌هایی از مقاومت پیتر کونیگ، همکار پژوهشی مرکز تحقیقات جهانی سازی است.

----- **با تقدیم سلامها «2020-11-23»**

